دوشنبه 6/12/1403-25شعبان 1446-24فوریه 2025-درس 98فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع اثربخشی رهبری –تسلیم وضد آن شک- لزوم ازاله شک

مساله88: مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی موظفند که شک وتردید پدید آمده در جان کارکنان پیرو خود را با بینات، نسخ و نقض نمایند و نیز مکلفند که به جای شک روحیه تسلیم را در آنان بوجود آورند و این میسور نیست مگر این که خود در مقام مدیریت بر خویشتن از هر نوع شک و تردید در رفتار و افعال سازمانی بدور باشند .

***شرح مساله***: معلوم شد كه شك از جنود جهل وضد تسليم و ضد علم و عدم علم است و ازاله و نسخ آن واجب است از نفس مديران تا موقنانه و قاطعانه تصميم اتخاذ كنند و دستور دهند و مرتب به پيروان سازماني خود القاء یقین در حين ايفاي نقش رهبري سازماني بنمایند و نیز معلوم شد که شک مدیر معصوم همواره بايد مغلوب و منقوض به يقين شود و نه بالعكس و مشخص شد شك در استعمالت قراني به همراه ريب و تردید حالتي منفي در نفس است كه متعلق آن كتاب حق، رهبري صالح و نظام و مكتب حق است كه مخالفان رسما وصريحا اعلام و ابراز تردید و ريب وشك ىر محتواي دعوات رهبران حق ميكرده اند و در مقابل رهبری صالح میگوید :" کنت علی بینه " و " انی علی بینه " یعنی من بر دلیلی روشن و آشکار و و مبین هستم ولی شما در این امر روشن تردید میکنید و در ریب خود مردد و مریب هستید این حالت از شک و تسلیم و تردید و تبیین در سازمان هم در حین رهبری سازمانی مدیران امکان وقوع دارد به این معنا که مدیران در حین رهبری صالحانه خود با کارکنانی مواجه میشوند که مرتب در رهبری او و مقاصد و معالی او تردید وشک میکنند و در این هنگام او موظف میشود که بینه ای که رهبری اش بر آن استوار است را اقامه کند تا شک را از درون جان آنان بزداید و به وادی یقین بکشاند که کاری سخت ولی ممکن است . او باید با اصرار بر رفتار صحیح سازمانی آنها را بغیر السنه دعوت به حق کند و شک آنها را ازاله کند، پس باز ازاله شک و تردید به عنوان جندی از جهل بر مدیر راهور واجب میشود ازاله شک تکلیف او خواهد بود و در شرح وظائف قطعیه او مندرج خواهد گردید . در این وظیفه ازاله شک از جان کارکنان باید با الگوی رفتاری :" کنت علی بینه " عمل شود که رهبران صالح در رهبری وحیانی وقرآنی خود این گونه وبه این سبک عمل میکرده اند نه این که به عکس مغلوب شک آنها شوند و متاثر و منفعل در قبال تردید آنان گردند و از یقین خود عقب بکشد و یقین و تسلیم خود را منقوض و مغلوب شکوک و شبهات و تردید های آنها بنمایند . در حقیت مدیر راهبر دارای دو وظیفه شرعی وسازمانی است یک ازاله شک از جان کارکنان و پیروان خود با شیوه روشن و قاطع و مبین و غیر مجمل که در رفتار خود نشان میدهد و دوم این که باید مراقبت از خود کند با مشارطه و محاسبه و مواخذه که سرمایه یقین او مبدل به شک نشود و بر یقین و تسلیم خود استوار باشد و یقین خود را به شک در هیج حالتی نقض نکند مگر به یقین آخر طبق دستور معصوم ع که :" لا تنقض الیقن بالشک .. بل انقضه بیقین آخر ... ابدا " که در اصول فقه به عنوان قاعده اصولیه استصحاب و قاعده یقین و دیگر اصول عملیه آموخته ایم و کبرای استدلال خود را با آن سامان داده ایم . این وظیفه دوم و این ازاله جند جهل یعنی شک از درون جان خود و در اقدامات و سیاست های رفتاری خود مقدم بر ازاله شک از جان کارکنان سازمان است زیرا بی تردیدی او موثر در اطرافیان است و آنها را هم انگیزش به سوی حق میدهد و شک را از درون آنان دفع و بلکه رفع میکند و از وقوع آن به عنوان یکی از جنود جهل در جان کارکنان پیشگیری میکند وبهداشت علمی برای درون آنان ایجاد میکند که بهتر از درمان شک است و میتوانیم به این قاعده فقهیه اداریه و نظمیه برسم که ازاله تردید از اطرافیان نتیجه ازاله تردید از جان خود مدیر است با نماد " انی علی بینه " در ایفای نقش رهبری سازمانی فافهم و تدبر . ومعلوم شد طبق آیه سوره حج تمامی مدیران راهبر از القائات شیطانی مصون نبوده اند لقوله تعالی :" و ما ارسلنا من قبلک من رسول و لا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته " در امنیه و برنامه و طرح ها وسیاست ها ومدیریت او بدون استثناء شیطان القاء تردید و شک میکرده است و منتهی :" فینسخ الله ما یلقی الشیطان " خداوند نسخ شک و تردید از جان رهبر معصوم میکرده است در رهبری اش به عنوان مدیر مدینه فاضله . این که نسخ القائات و تردیدات شیطانی را خداوند به خود نسبت میدهد نه به مدیر معصوم همان معنای عصمت است که بعد از نسخ :" ثم یحکم الله آیاته " یعنی خداوند اول نسخی را خدواند به خود نسبت میدهد نه به مدیر معصوم به همان معنای عصمت است که بعذ نسخ :" ثم یحکم ا شک سپس اِحکام ایات و استحکام آیات به یقین میکند و مانع نقض یقین مدیران راهور خود در مقابل شک میشود واین به معنای عصمت اشاره دارد یعنی قدرتی به آنان میدهد که بتوانند نسخ شک و نقض تردید که جند و القائات جهل وشیطان است از درون جان خود کنند و بتوانند از یقین و تسلیم به آیات خدا در نفس دفاع کنند . اما مدیران راهبر غیر معصوم و لی عادل وصالح هم در حین رهبری سازمانی موظفندکه با استعانت از خدا و تقویت معنویت در فرهنگ سازمانی به عملیات نسخ تردید و اثبات یقین در جان خود و کارکنان بپردازند در نتیجه برنامه ها ،سیاست ها ، ماموریت ها ، چشم انداز های مبیّن خود را از شک وتردید مصون دارند و با بینات پیش روند و اگر هم شک و تردیدی در امنیات و سیاسات خود از سوی کارکنان دیدند به نسخ آنها هم اقدام کنند و به اِحکام یقین در درون جان آنها اقدام کنند در حقیقت تخلق به اخلاق الله کند یعنی هر گاه در درون جان مدیران تحت امر خود القائات شیطانی و جهلانی دیدند فورا به نسخ آن تردید ها و سپس و به تثبیت تسلیم در درون جان آنان همت کند . (والله العالم)

فتحصل : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی موظفند که شک وتردید پدید آمده در جان کارکنان پیرو خود را با بینات، نسخ و نقض نمایند و نیز مکلفند که به جای شک روحیه تسلیم را در آنان بوجود آورند و این میسور نیست مگر این که خود در مقام مدیریت بر خویشتن از هر نوع شک و تردید در رفتار و افعال سازمانی بدور باشند .